بررسی انتقادی چند
شعار بهائیت

دکتر محمدعلی خنجی


بسم الله الرحمن الرحیم

شعار بهائیت از دیدگاه دکتر محمد علی خنجی

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

سایت بهائی پژوهی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

شعار بهائیت از دیدگاه دکتر محمد علی خنجی

مشخصات کتاب

مجله زمانه / چاپ دوم / سال ششم / شماره ۶۱ / مهر ۱۳۸۶

مقدمه

بی‌بهرگی از مبانی استوار فرهنگی به عنوان ویژگی بارز بهائیت موجب گردیده که نظریات آن‌ها به صورت عکس‌العمل‌هایی که برای مواجهه با نیازهای کوتاه مدت ساخته و پرداخته شده‌اند، مطرح گردند. بررسی انتقادی بعضی از شعارهای این فرقه توسط محمدعلی خنجی که در این مقاله آورده شده است، به خوبی، ضعف یاد شده را آشکار می‌سازد. دکتر محمد علی خنجی (۱۳۰۴ – ۱۳۵۰. ش) پژوهشگر، نویسنده، مترجم، روزنامه‌نگار، نظریه‌پرداز و سیاستمدار مبارز و نام آشنای ایران در دوران معاصر است که «فرهنگ» و «سیاست»، دغدغه‌ی اصلی و همیشگی زندگی او بود و عاقبت نیز در همین مسیر جان باخت. این تحلیلگر مسائل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فلسفی، سال ۱۳۰۴، در بحرین (که هنوز رسما از ایران جدا نشده بود) در خانواده‌ای فرهنگی دیده به جهان گشود و پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه، در دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران به تحصیل در رشته‌ی قضائی پرداخت و به اخذ مدرک لیسانس نائل گشت (۱۳۲۶). سپس به فرانسه رفت و تحصیلات عالیه را، این بار در رشته‌ی اقتصاد، در دانشگاه پاریس ادامه داد و پس از اخذ دکترای اقتصاد از آن مرکز علمی (۱۳۲۸) به ایران بازگشت. بازگشت خنجی به وطن، مقارن با دوران شکوفایی نهضت ضد استعماری ملی کردن صنعت نفت بود و او که همواره دغدغه‌ی آزادی و پیشرفت ملت ایران را داشت، در صف فعالان این جنبش و هواداران پا برجای دکتر مصدق درآمد و پس از وقوع کودتای انگلیسی – امریکایی ۲۸ مرداد، نیز در نهضت مقاومت ملی به مبارزه ادامه داد و در تحریر مقالات روزنامه‌ی مخفی نهضت مقاومت: «راه مصدق»، و تدوین اعلامیه‌های آن، همکاری گسترده‌ای داشت. پیداست که طی این مسیر، برای وی بی‌رنج و دردسر نبود و خصوصا انتشار مقاله‌ی کوبنده‌اش بر ضد رژیم دیکتاتوری وقت در آن روزنامه با عنوان «مجسمه ابوالهول کودتا در دانشگاه تهران نصب می‌شود»، سبب شد که دستگیر و در زندان لشکر ۲ زرهی به بند کشیده شود. در تداوم این مبارزه، هنگام تجدید حیات جبهه ملی در اواخر دهه‌ی ۱۳۳۰، به همکاری گسترده‌ای با آن دست زد که عضویتش در شورای مرکزی جبهه ملی (دوم) در ۱۳۴۱ از جلوه‌های بارز آن بود. «فرهنگ» نیز، در کنار «سیاست»، دل مشغولی عمده‌ی دکتر خنجی در تمام عمر بود. او، گذشته از فارسی، با زبان‌های گوناگون فرانسوی، انگلیسی، آلمانی و روسی آشنا بود و در کارنامه‌ی قلمی او، به تألیف و ترجمه‌ی کتاب‌های متعددی همچون کتاب ارزش (انتشار در سال ۱۳۳۰)، ناسیونالیزاسیون «ملی کردن صنایع» (۱۳۳۰)، تحلیلی از فراماسونری (۱۳۴۱) و بررسی تاریخ ماد و منشأ نظریه دیاکونوف (۱۳۵۸) برمی‌خوریم که این آخری، به نقد دیدگاه‌های خشک و جزمی مارکسیسم در مورد تاریخ می‌پردازد. نیز باید از مقالات بسیار خنجی در موضوعات گوناگون سیاسی، اجتماعی، تاریخی و انتقادی یاد کرد که در نشریات مختلف دهه ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰) شاهد، نیروی سوم، راه مصدق، اندیشه نو، علم و زندگی، و راهنمای کتاب) درج یافته است و بعضا نام مستعار وی (روز بهان) بر پیشانی دارد. هر چند دیدگاه‌های او بعضا خالی از تأمل نمی‌نماید، باید اذعان کرد که عمر خویش را تماما به اندیشه خدمت به وطن و مبارزه با دشمنان ملت گذرانده است. صبح سه‌شنبه ۷ بهمن ۱۳۵۰ جسد دکتر خنجی در محل مسکونی او (واقع در خیابان بهار تهران)، در حالی که مدتی از مرگش گذشته بود، به دست آمد. افسر پلیس با تأخیر بر سر جنازه‌اش حاضر شد و به رغم اصرار افراد خانواده، از هر گونه رسیدگی و تحقیق و بررسی خودداری ورزید. این امر و دیگر قرائن، در ذهن دوستان مبارزش، این حدس را تقویت کرد که وی قربانی توطئه ساواک شده است، و البته این امر، در مورد آن اندیشمند مبارز، به هیچ رو

بعید نبود. هشت سال پس از مرگ مشکوک خنجی، در نخستین بهار آزادی، سازمان نویسندگان و پژوهشگران و هنروران جبهه ملی، یکی از شماره‌های نشریه‌ی خویش را به «یادنامه» دکتر خنجی اختصاص داد [۱] و در آن، علاوه بر زندگی‌نامه خنجی (که پایه شرح حال فوق قرار گرفته) و ارائه فهرستی (از کتب و مقالات او، بعضی از رساله‌ها و مقاله‌های وی را درج کرد، که یکی از آن‌ها مقاله‌ی تحلیلی و انتقادی وی درباره‌ی فرقه‌ی ضاله بود که با عنوان «تحقیقی در باب مذاهب «بابی» و «بهائی» قبلا در نشریه اندیشه نو نشر یافت بود. [۲] خنجی در این مقاله، دو شعار اصلی بهائیت را، که اطاعت از حکومت و عدم دخالت در سیاست، و برقراری صلح عمومی می‌باشد، بررسی و نقد کرده است. در ادامه‌ی این نوشتار دیدگاه فوق، و دلایل ضعف بهائیت در عمل به این شعارها از نظر محمدعلی خنجی شرح داده شده است.

بررسی انتقادی چند شعار بهائیت

اطاعت از حکومت، و عدم دخالت در سیاست

دکتر محمدعلی خنجی، نظریات بهائیان درباره‌ی رابطه‌ی ملت و حکومت را «بسیار عقب مانده و کهنه» شمرده و معتقد است که «آیین بهائی برای ملت هیچ گونه حقی قائل نیست و تنها «ملوک» را منشأ قدرت و لایق حکومت می‌شمارد.» خنجی برای اثبات این امر، به عباراتی از عبدالبهاء (پیشوای مشهور بهائیان) استناد کرده که صریحا گفته است: «امر منصوص این است: یا اولیاء الله و امناء، ملوک مظاهر قدرت و مطالع عزت و ثروت حق‌اند، درباره‌ی ایشان دعا کنید، حکومت ارض به آن نفوس عنایت شد.» [۳] و نیز نوشته است: «... سلطنت، موهبت رب عزت است و حکومت، رحمت حضرت ربوبیت. نهایت مراتب این است که شهریاران کامل و پادشاهان عادل، به شکرانه‌ی این الطاف الهیه و عواطف جلیله‌ی رحمانیه باید عدل مجسم و عقل مشخص، فضل مجرد باشند و لطف مصور.» [۴] . خنجی، همچنین، به مجموعه رسائل ابوالفضل گلپایگانی، مبلغ مشهور بهائیان، اشاره کرده که از قول عبدالبهاء در این خصوص با صراحت بیشتری نوشته است: «نزد عاقل بصیر، روشن است که قوت دولت و شوکت سلطنت و... و آسایش رعیت موقوف به همین نکته است که عموم افراد اهالی یک ملک، اطاعت پادشاه خود واجب دانند تا دولت متبوعه به اوج عزت رسد و ثروت رعیت افزون شود...ملاحظه کنید که در ازمنه‌ی سابقه که مردم ایران، پادشاهان خود را واجب‌الاطاعه می‌دانستند، چگونه دولت ایران، اعظم دول عالم محسوب شد و... بالعکس در این قرون اخیره چون جماعت شیعیان اطاعت پادشاهان را واجب ندانستند و دولت را دولت جائره شمردند و اکابر ملک را ظلمه نامیدند، [۵] ارکان مملکت متضعضع شد و قوت دولت روی به ضعف نهاد و ثروت رعیت کم، و فقر و پریشانی اهالی قوت گرفت.... بناء علی هذا باید عموم، اصابت فوائد کلیه عظیمه حکم کتاب را در اطاعت دولت بدانند و حکم محکم کتاب اقدس را که فرموده است (لیس لاحدان یعترض علی الذین یحکمون علی‌العباد) [۶] سبب نجاح و فلاح خود شناسند و آسایش بلاد و رفاه عباد و قوت دولت و ثروت رعیت و رضای حضرت احدیت را در این نکته محصور یابند، شاید بعون الله و تأییداته، خللی که از جهال ملل سائره (!) روی داده به صدق این فئه تدارک شود و این نیت مقدسه سبب نجاح مردم ایران گردد.» [۷] . به نوشته‌ی خنجی: از تعمق در این جملات به خوبی می‌توان دریافت که بهائیان تا چه اندازه از اصول دموکراسی و حکومت ملی دور و بیزارند. ولی باید اضافه کرد که «اصل عدم مداخله در امور سیاسی» یکی از اصول اساسی آئین بهائی است و طبق آن، یک نفر بهائی اجازه ندارد در امور سیاسی شرکت کند. عبدالبهاء در این باره چنین نوشته است: «اهل بهاء در هر کشور مقیم‌اند، به امانت و صدق و صفا با حکومت رفتار نمایند و در امور سیاسیه... و نیز در احزاب و فرق سیاسی به هیچ وجه ادنی مداخله‌ای ننمایند و... مداخله در امور جزئی و مناقشات سیاسی و منازعات حزبی به کلی خلاف مبادی و تعالیم الهیه در این ظهور اعظم است.» [۸] . و شوقی افندی بدان اضافه کرده است: «... از امور سیاسیه و مخاصمات احزاب

و دول بایـد کـل [بهائیـان] قلبا و ظاهرا، لسانا و باطنا، به کلی در کنار و از این گونه افکار فارغ و آزاد باشـیم. با هیـچ حزبی رابطه‌ی سیاسـی نجوییم و در جمع فرقه‌ای از این فرق مختلفه متنازعه داخل نگردیم، نه در سـلک شورشـیان در آییم و نه در شـئون داخله‌ی دول و طوایـف و قبایـل هیـچ ملـتی ادنی مـداخله‌ای نمـاییم، به قوه‌ی جـبر به هیـچ امری اقـدام ننمـاییم... امر الله را چه تعلقی به امور سیاسیـه و چه مـداخله‌ای در مخاصـمات و منازعـات داخله و خارجه دول و ملل»؟ [۹] . دکـتر خنجی، در ادامه‌ی مطلب، بـا توجه به آموزه‌های فوق، پرسـش جالب و در خور ملاحظه‌ای مطرح کرده است: «گذشـته از جنبه‌ی عقب مانده و غیراجتماعی این دستورها، این سؤال پیش می‌آیـد که آیـا این عـدم دخـالت در امور سیاسیه و مخاصـمات و منازعـات داخله و خـارجه دول خود، دخـالت در سیـاست آن هم به نفع یـک سیـاست مخصـوص نیست»؟! پاسـخ خنجی به این سـؤال، مثبت بـوده و معتقـد است که این آموزه، در انقلاب مشـروطیت ملت ایران، کاملا به نفع سیـاست استبدادی دربار قاجار خرج شـد. او نوشـته است: «خوب است ببینیم که منظور بهائیان از دخالت در سیـاست به معنی اعم است یا آنکه دخالت در بعضـی سیـاست‌ها را جائز می‌دانند؟ گذشـته از قرائن بسیاری که در دست است، از مطـالعه الواح و خطابه‌های مختلف رهبران بهائیان نیز این نکته روشن می‌شود که منظور آن‌ها از عـدم دخالت در سیـاست بـه معنـای خاصـی اسـت و در بعضـی سیـاست‌ها، از دخـالت خـودداری ننمـوده آن را جـائز می‌شـمردند. مثلاـ در انقلاـب مشـروطیت بهائیان کاملا علیه جریان انقلاب وارد شدند و از تبلیغ به نفع مستبدین و به ضـرر مشـروطه‌خواهان غفلت ننمودند، چنان که عبدالبهاء در یکی از الواح خود که در زمان کودتای محمد علی شاه صادر شده، محمد علی شاه را سلطان عادل دانسته و بهائیان را دعوت به انقیـاد نموده، مشـروطه‌طلبان را «نوهوسان» نامیـده است. لوح مزبور این است: طهران، حضـرت ایادی امر الله – حضـرت علی قبـل اکبر [۱۰] علیه بهـاء الله الاـبهی (هـو الله)... از انقلاـب ارض (ط) [۱۱] مرقوم نموده بودیـد. این انقلاب در الواح مستطاب مصـرح و بی‌حجـاب، ولی عـاقبت سـکون یابـد... و سـریر سـلطنت کبری در نهایت شوکت اسـتقرار جویـد و آفاق ایران به نورانیت عـدالت شـهریاری روشـن و تابـان گردد. محزون مباشـید، مکـدر مگردیـد، جمیـع یـاران الهی را بـه اطـاعت و انقیـاد و صـداقت و خیرخواهی سـریر تاجـداری دلالت نماییـد، زیرا به نص الهی، مکلف بر آن‌انـد. باری، گوش به این حرف‌ها مدهید و شب و روز به جان و دل بکوشـید و دعای خیر نماییـد و تضـرع و زاری فرماییـد تا... در جمیع امور، نوایای خیریه اعلیحضـرت شـهریاری واضـح و مشـهود [گردد]، ولی «نوهوسانی» چنـد گمان نماینـد که کسـر نفوذ سـلطان، سـبب عزت ملت است. هیهات، هیهات، این چه نادانی است و این چه جهل ابـدی؟ شوکـت سـلطنت، عزت ملت است و نفوذ حکومت، سـبب محافظت رعیت، ولی باید با عدل توأم باشد. اعلیحضـرت شـهریاری، الحمـدلله شـخص مجرب‌انـد و عـدل مصـور و عقـل مجسم و حلم مشـخص. در این صـورت بایـد عمـوم به خیرخواهی قیام نمایند و به آنچه سـبب شوکـت دولت و قوت سـلطنت... است قیام نمایند. رساله سیاسیه که چهارده سال قبل تألیف شـد... یـک نسـخه ارسـال می‌شود. به عموم نـاس بنماییـد که مضـرات حاصـله از فسـاد و فتنه در آن رسـاله به اوضـح عبارت مرقوم گردید. و السلام علی من اتبع الهدی، ۱۱ ج ۱ سنه‌ی ۱۳۲۵ ع ع.» [۱۲] . بنا به توضیح خنجی: «رساله‌ی سیاسیه که عبدالبهاء در اینجا به آن اشاره می‌کند، رساله‌ای است که در باب روابط ملت و حکومت و حقوق سیاسـی افراد، تدوین شده است و در آنجا، هر گونه حـق سیاسـی را از ملت سـلب نموده و حکومت را مخصوص ملوک و موهبت الهی می‌شـمارد. بـاری، لوح فوق، نشـان می‌دهـد که منظور بهائیان از عدم دخالت در سیاست به چه معنی است و چه هدفی را دنبال می‌کند»؟

صلح عمومی

اصل یا شـعار دیگر بهائیت، که دکتر خنجی آن را نقد کرده، مسألهٔ‌ی صلح عمومی است. این شعار نیز – آن گونه که بهائیت مطرح کرده – به نظر خنجی، از حـد کلی گویی فراتر نرفته و (به رغم ظـاهر مترقی و فریبنـده‌ی آن) فاقـد عمق و ارزش لازم است. خنجی، در توضیـح نظر خویش نوشـته است: «یکی از اصول عقاید بهائیان که دارای ظاهری مترقی است، مسألهٔ‌ی صلح عمومی می‌باشد. در

اینجا تذکر این نکته لازم است که در مورد اقتباس عقایدی عقایدی که دارای جنبه‌های مترقی است، بهائیان فقط به ظواهر امر توجه نموده‌اند و از لحاظ عمقی و منطقی هیچ گونه ارزشی برای معتقدات آن‌ها نمی‌توان قائل شد، مثلا در خصوص همین مسأله‌ی صلح عمومی، صفحات متعددی را از مزایای صلح، سیاه نموده، پی در پی می گویند: «ما طالب صلح کل هستیم» و با تفاخر بسیار تکرار می کنند که: «صلح عمومی از جمله تعالیم مبارکه است که آثارش ظاهر شده». [۱۳] در صورتی که اگر به نوشته‌های آن‌ها رجوع کنیم هیچ نوع راه علمی و صحیحی برای برقراری صلح نشان نمی‌دهند و هرگز متعرض این نکته نمی‌شوند که: اصولا ـ چرا اختلافاتی میان دول موجود است؟ و چه می‌شود که هر چند سال یک بار «این خاک سیاه، به خون بشر رنگین شده، بشر مانند گرگان درنده یکدیگر را پاره پاره کرده و با اینکه حالا عصر مدنیت است، عصر ترقیات مادیه است، عقول ترقی کرده است، با وجود این هر روز خونریزی است»؟ [۱۴] . به اعتقاد دکتر خنجی: بهائیان «با وجود اینکه به ریشه‌ی اصلی اختلافات و علل حقیقی محاربات، به هیچ وجه توجهی نمی‌نمایند، ادعا می کنند که تنها اصول دیانت بهائی است که می‌توانند صلح عمومی را در جهان برقرار سازد. می‌نویسند: «این قضیه صلح ملل را حضرت بهاء الله در ایران در شصت سال پیش تأسیس نموده و در این مدت، در این خصوص لوایح و الواح بسیار اول در ایران نشر فرمود و بعد در سایر جهات نیز انتشار داد تا آنکه در کتاب اقدس که قریب (پنجاه) سال پیش نازل شده، صلح عمومی را تصریح فرموده، در ایران ملل متنوعه موجود، مسلمان و مسیحی و یهود و زردشتی و مذاهب متعدده نیز موجود، به قوت تعالیم بهاء الله چنان تألیف و محبت در میان این ملل و امم حاضر... گردیده که حال مانند برادر و یا پدر و پسر و یا مادر و دختر با یکدیگر متحد و متفق و آمیزش نمایند و چون در محفلی اجتماع کنند، اگر شخصی وارد گردد، از شدت الفت و محبت آنان حیران ماند؛ ابدا اختلاف و جدایی نبیند.» [۱۵] . نکته‌ی دیگری که خنجی درباره‌ی این اصل تذکر داده آن است که بر خلاف ادعای عبدالبهاء: «صلح عمومی از «تأسیسات» بهاء الله نیست، بلکه از قدیم مورد توجه بوده و درباره‌ی آن کتاب‌ها نوشته شده است.» ضمن اینکه، «خوانندگان می‌توانند صحت قسمت اول نوشته‌های فوق» یعنی ادعای انحصار برقراری صلح جهانی فقط از طریق اصول دیانت بهائی «را از روی میزان صحت قسمت دوم آن»، یعنی ادعای وجود اتحاد و اتفاق حیرت انگیز بین افراد بهائی، محک بزنند. به نوشته‌ی خنجی: «اکنون خوب است ببینیم، برای به دست آوردن این صلح، بهائیان چه راهی را پیشنهاد می کنند. در رساله‌ی صلح عمومی از قول بهاء الله می‌نویسند: «سلاطین آفاق وفقهم الله، باید به اتفاق، به این امر تمسک فرمایند. ایشان‌اند مشارق قدرت و مطالع اقتدار الهی». [۱۶] و نیز می گویند: «... باید مجلس بزرگی ترتیب دهند و حضرات ملوک یا وزرا در آن مجلس حاضر شوند و حکم اتحاد و اتفاق را جاری فرمایند... در این صورت آلات و ادوات حرب لازم نه، الا علی قدر مقدور لحفظ بلادهم... و اولی آنکه در آن مجلس، خود سلاطین عظام حاضر شوند و حکم فرمایند و هر یک از سلاطین که بر این امر و اجرای آن قیام فرمایند او سیدالسلاطین است.» [۱۷] و همچنین عبدالبهاء نوشته است: «... بلی تمدن حقیقی وقتی در قطب عالم علم افروزد که چند ملوک بزرگوار بلند همت چون آفتاب رخشنده عالم غیرت و حمیت به جهت خیر و سعادت عموم بشر، به عزمی ثابت و رأیی راسخ، قدم پیش نهاده، مسأله‌ی صلح عمومی را در میدان مشورت گذارند و... یک معاهده‌ی قویه و میثاق و شروط محکمه ثابته تأسیس نمایند و اعلان نموده و مؤکد فرمایند این امر اتم و اقوم را کل سکان ارض، مقدس شمرده جمیع قوای عالم متوجه به ثبوت این عهد اعظم باشند. در این معاهده عمومیه، تعیین و تحدید حدود و ثغور هر دولتی گردد و توضیح روش و حرکت هر حکومتی شود و جمیع معاهدات و مناسبات دولیه و روابط مابین هیأت حکومتیه بشر مقرر و معین گردد و کذلک قوه‌ی حربیه هر حکومتی به حدی معلوم، مخصص شود.» [۱۸] . خنجی با ذکر این نکته که: «این است راهی که بهائیان برای برقراری صلح پیشنهاد می کنند» افزوده است: «با مختصر توجهی به جملات فوق، معلوم می گردد که چنین پیشنهادی تا چه اندازه از اصول دموکراسی دور است. در اینجا عبدالبهاء، تنها ملوک را قدرت اجتماعی تصور کرده و برای ملت‌ها که تنها حامی حقیقی صلح‌اند، ارزشی قائل نشده است و به علاوه، این پیشنهاد نیز، چنان که بر همه مسلم است، به هیچ وجه عملی نبوده و در صورت عملی شدن،

در حد اعلا چیزی شبیه به جامعه‌ی ملل گذشته خواهد بود که عملا آزمایش خود را داد و از بین رفت. به علاوه، به آسانی می‌توان درک کرد که اصالت این پیشنهاد نیز از خود آئین بهائی نیست و کشف اصل و منشأ آن نیز اشکالی ندارد، زیرا تبلیغات صلح آمیز – چه از جهت افکار سوسیالیستی برای بیدار ساختن مردم و چه از طرف دولت‌ها به منظور فریب دادن آن‌ها – در هر حال، فکری بوده است که از قرن نوزدهم رواج کافی داشته و اتخاذ آن در مشرق زمین لااقل هم زمان با پیدایش آیین بهائی از طرف سید جمال الدین اسدآبادی، به عنوان اتحاد اسلام و تأسیس سازمان اتحادی برای حکومت‌های اسلامی، صورت گرفته است.»

پاورقی

[۱] یادنامه به مناسبت هشتمین سالگرد فقدان دکتر محمدعلی خنجی، نشریه سازمان نویسندگان و پژوهشگران و هنروران جبهه ملی ایران، ش ۱۰، به اهتمام فرشید افشار خرمشاهی، ص ۶۸ به بعد. مطلب مورد اشاره در مقاله حاضر، در صفحات ۱۰۵ به بعد مأخذ اخیر آمده است.

[۲] نقل از: محمدعلی خنجی، «تحقیقی درباره مذاهب «بابی» و «بهائی»»، اندیشه نو، ج ۱، بخش ۱۰، ۳ بهمن ۱۳۲۷، ص ۵ به بعد.

[۳] عبدالبهاء، رساله‌ی السیاسیه‌ی، ص ۱۱.

[۴] همان، صص ۴۶ – ۴۸. نیز رک: صص ۴۹ – ۵۰.

[۵] اشاره به انقلاب مشروطیت ایران.

[۶] معنی جمله این است که هیچ کس حق ندارد بر کسانی که بر بندگان حکومت می‌کنند اعتراض کند.

[۷] ابوالفضایل، مجموعه رسائل، چاپ مصر، ۱۹۲۰. م، صص ۶۰ – ۶۲.

[۸] آن نظر اجمالی در دیانت بهائی، صص ۴۹ – ۵۰.

[۹] لوح شوقی افندی، نقل از کتاب نظر اجمالی در دیانت بهائی، صص ۵۰ – ۵۱.]

[۱۰] منظور از (علی قبل اکبر) علی اکبر است.

[۱۱] منظور تهران است.

[۱۲] نقل از کتاب کشف الحیل و مقدمه رساله سیاسیه.

[۱۳] رساله صلح عمومی، صفحه.

[۱۴] نقل از رساله صلح عمومی.

[۱۵] عبد البهاء، نقل از رساله صلح عمومی، ص ۱۲۰.

[۱۶] رساله صلح عمومی، ص ۱۴.

[۱۷] لوح ابن‌الذئب (نقل از: رساله صلح عمومی).

[۱۸] رساله‌ی المدنیه، عبدالبهاء.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی

آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگـانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابـل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عـده ای خیر انـدیش اداره و تامین گردیـده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضـر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صـاحب اصـلی ایـن خـانه (قـائمیه) امیـد داشـته و امیـدواریم حضـرت بقیه الله الاـعظم عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف تـوفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شـماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شـماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج – به سـندش، از امام حسـین علیه السـلام -: هر کس عهـده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جـدا کرده است و از علوم مـا که به دسـتش رسـیده، به او سـهمی دهـد تا ارشاد و هـدایتش کنـد، خداونـد به او می‌فرمایـد: «ای بنـده بزرگوار شریـک کننـده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سـزاوارترم. فرشـتگان من! برای او در بهشت، به عـدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشـتن بینـوایی ضـعیف را دارد و تـو او را از دسـتش می‌رَهـانی، یـا مردی نـاصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضـعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سـپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسـند زیـد: امام حسـین علیه السـلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخوانـد و او اجابت کنـد، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹